

## بحران آسیب‌های اجتماعی در ایران !

arash@funtrivia.com

آرش کمانگر

آسیب‌شناسی اجتماعی که قبل از هر چیز و بیش از هر چیز وظیفه دارد که به بررسی علل بروز ناهنجاری‌ها در جامعه و راه‌های برون رفت یا پرهیز از آن بپردازد، مثل هر مقوله جامعه‌شناسانه دیگر دارای نقطه عزیمت‌ها، استنباط‌ها و زاهدکارهای متفاوتی است. آسیب‌شناسان به طور اخص و تحلیل‌گران مسایل اجتماعی به طور اعم، بسته به نوع نگرش سیاسی و متد جامعه‌شناسانه و نیز خاستگاه و یا عزیمت‌گاه طبقاتی، می‌توانند در بررسی علل پدیداری ناهنجاری‌های اجتماعی و نیز راه‌های برون رفت از آنها، پاسخ‌های متفاوت و گاه متضادی را طرح کنند. مثلاً از دیدگاه یک کارشناس حزب الهی، ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های موجود در جامعه ایران -بویژه در میان قشر جوانان و زنان- را باید محصول «تهاجم فرهنگی غرب و استکبار جهانی» ارزیابی نمود. طبیعی است کسی که از چنین بنیادی به آسیب‌های اجتماعی می‌نگرد، راه حلی که برای حل معضل ارایه می‌کند، نمی‌تواند چیزی بیش از «امر به معروف و نهی از منکر» و «دعوت به پیش از پیش مردم به دامن اسلام ناب محمدی» باشد. در کنار این دسته از به اصطلاح کارشناسان، عده‌ای کثیر از تحلیل‌گران و جامعه‌شناسان قرار دارند که اگرچه بعد سیاسی فاجعه یعنی نتایج عملکرد حکومت یا حکومت‌ها را از قلم نمی‌اندازند، اما تلاش وافر دارند که نقبی به سوی ریشه‌های اجتماعی-اقتصادی و طبقاتی بحران زنند و مساله را در سطح روبنا نگه دارند. در این حالت نیز این کارشناسان حداکثر نسخه‌ای که برای تخفیف بحران ناهنجاری‌های اجتماعی می‌پسند، تحمیل یک سری رفرم‌های جزئی بر سیاست‌های رژیم حاکم و نقد غیرریشه‌ای عملکرد دولت حاکم می‌باشد. اما برخلاف این نوع دیدگاه‌ها، یک نگاه اجمالی به جدیدترین ارقام و آمارهای تکان‌دهنده‌ای که پاره‌ای از رسانه‌های ایران در مورد چند و چون «آسیب‌های اجتماعی» ارایه نموده‌اند، نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل روبنایی و زیربنایی یعنی مجموعه دلایل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سبب تولید و بازتولید این نوع ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه امروز ایران هستند.

برای نمونه همین چند هفته پیش بود که «حجت‌الاسلام زم» معاونت اجتماعی شهرداری تهران (و مسوول و تئوریزه‌کننده تعطیلی مراکز نگهداری از کودکان خیابانی در شهرداری پایتخت) صحبت از وجود یک میلیون کودک خیابانی در ایران نموده بود. اکنون برخی از جراید این رقم تکان‌دهنده را حدود یک میلیون و دویست هزار نفر تخمین می‌زنند که گویا ۳۵ هزار نفر از این خردسالان و نوجوانان محروم در تهران به سر می‌برند. به دنبال تمرکز و افشاکری بخشی از جامعه در مورد این فاجعه هولناک، یک جنبه دیگر از عواقب رشد این آسیب اجتماعی بزرگ افشا شده است و آن تجارت در حال گسترش فروش کودکان خیابانی به کشورهای همسایه برای استفاده از قسمت‌های مختلف بدن‌شان جهت مصارف پزشکی است. دبیر انجمن حمایت از حقوق کودک در ایران طی مصاحبه‌ای با رادیو اروپای آزاد گوشه‌هایی از این تجارت مضمّن‌کننده باندهای غارتگر را فاش نمود. ما البته در سال‌های اخیر شاهد رشد «فروش کلیه» در ایران و نیز صدور دختران (به‌عنوان بردگان جنسی) به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس بودیم (که در جریان آن پاره‌ای از نهادهای وابسته به رژیم نظیر «کانون هدایت در گرج» نقش دلّالی ایفا می‌کردند) اما خبر مربوط به صدور کودکان خیابانی با هدف قصای قطعات بدن آنها جهت نجات جان ثروتمندان خارجی، خبری جدید است که کارنامه سیاه رژیم «عدل علی» را سنگین‌تر می‌کند.

از سویی دیگر طبق یک برآورد محافظه‌کارانه که مورد تایید برخی از افراد و نهادهای رژیم نیز قرار گرفته، حداقل یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار (یا کارگر خردسال) در ایران وجود دارند که ۴۰۰ هزار نفر از آنها زیر ۱۵ سال و

بقیه زیر ۱۸ سال هستند. این مساله را دکتر احمد آملی کارشناس حقوق کودک در پنجمین جشنواره کودک، طبیعت و توسعه پایدار مطرح نمود. لازم به ذکر است که میلیون‌ها دانش‌آموز و یا کودک غیر محصلی که در بزرگسالی خانوادگی (نظیر زراعت و دامداری و قالیبافی و پیشه‌وری...) بدون اجرت کار می‌کنند، شامل رقم فوق‌الذکر نمی‌شوند. آمار مذکور در حالی اعلام می‌شود که جمهوری اسلامی یکی از امضاکنندگان «کنوانسیون منع کار کودکان» (مصوبه سازمان جهانی کار) و «کنوانسیون منع تبعیض از کودکان» (مصوبه سازمان ملل متحد) می‌باشد. این نقض آشکار توافقنامه‌های بین‌المللی البته فقط مختص رژیم ایران نیست بلکه بسیاری از رژیم‌های دنیا بویژه در جهان سوم با نادیده گرفتن این قوانین انسانی، به شدت از بهره‌کشی نیروی کار کودکان سود می‌برند. برطبق برآورد سازمان جهانی کار، در حال حاضر بیش از ۲۵۰ میلیون کودک در جهان به جای لذت بردن از عوالم دنیای کودکی، در زیر چرخ‌دنده‌های بهره‌کشی سرمایه‌داری مشغول‌گشته‌اند. برخی از کارشناسان سطحی‌نگر معمولاً در برخورد با این معضل، والدین این کودکان را مورد شماتت قرار می‌دهند، غافل از اینکه هیچ پدر یا مادری راضی نیست به جای تامین آموزش، سلامتی، رفاه و خوشی فرزندان‌شان آنها را به چنگال خون‌چکان هیولای سرمایه‌داری بسپارد. اما در جهانی که ۸۰۰ میلیون انسان از گرسنگی مطلق رنج می‌برند و اکثریت جمعیت شش میلیاردی کره زمین با فقر و نابرابری طبقاتی دست و پنجه نرم می‌کنند و انسان‌گناه حتی با دو یا سه شغل قادر به تامین معاش نیست، والدین تهیدست راهی جز مدد گرفتن از دستمزد ناچیز کودکان کار ندارند. اصولاً از قبل همین نوع نابرابری‌های مشتمل‌کننده است که مثلاً فقط مجموع دارایی سه تن از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران جهان، به تنهایی با درآمد ملی ۴۷ کشور جهان برابری می‌کند. مساله کودکان کار و کودکان خیابانی اما تنها گوشه‌ای از عمق فاجعه را در ایران تحت امر جمهوری اسلامی بازتاب می‌دهد. در همین راستاست که «حسن روحانی» دبیر شورای عالی امنیت ملی رژیم ایران اخیراً طی سخنانی در هفدهمین گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور گفت «زندگی خطر به صدا در آمده است» و افزود «اگر همه مسوولین و کارگزاران نظام به آسیب‌های اجتماعی توجه لازم را نداشته باشند، این کشور به سمت آشفتگی اجتماعی پیش خواهد رفت».

روحانی در این مورد به رشد آمار زندانیان ایران اشاره می‌کند و می‌گوید طبق آماري که در تیرماه ۸۱ منتشر شده میزان زندانیان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۷/۲۴ درصد افزایش یافته است که بیش از ۴۷ درصد از آنها به خاطر مواد مخدر و حدود ۲۰ درصد آنها به خاطر سرقت در زندان به سر می‌برند. ۷۰ درصد از زندانیان کشورمان بین ۲۰ تا ۴۰ سال دارند یعنی مفیدترین دوران زندگی یک انسان که بخش‌های مختلف جامعه، بیش از هر قشری به کار، دانش و تجربه آنها نیاز دارد. یعنی صدها هزار از فعال‌ترین بخش‌های نیروی کار کشور به دلیل سیاست‌های مشترک رژیم و نظام طبقاتی و ناهنجار حاکم، عاطل و باطل کنج سلول‌ها و دهلیزها افتاده‌اند. در همین رابطه هفته پیش جراید رژیم اعتراف کردند که میزان معتادین در سال جاری به سه میلیون نفر رسیده است. به همین خاطر دکتر بینا زاده کارشناس مسوول درمان اعتیاد سازمان بهزیستی، ضمن اعتراف به ناکارآمدی و ناکافی بودن موسسات ترک اعتیاد در ایران، به مقایسه وضعیت کشور ما با انگلستان (که مواد مخدر در آنجا با سهولت بیشتری در دسترس عموم است و شدت محازات نیز پایین‌تر) گفت «انگلیس با جمعیتی معادل ایران، دارای یک دهم معتادان کشور ماست». او همچنین گفت که نباید علت این پایین بودن رقم در انگلیس را ناشی از عملکرد سه مولفه یعنی: کاهش عرضه (تحرک پلیس) دادگاه‌ها و زندان‌ها دانست، چرا که ارگان‌های رژیم ایران در هر سه مولفه فعالند با این همه ره به جایی نبرده و کماکان شاهد رشد بدیده اعتیاد و قاچاق مواد مخدر هستیم.

دکتر بینا زاده در رابطه با امکانات مربوط به کمک به معتادین جهت ترک اعتیاد گفت که مراکز موجود وابسته به سازمان بهزیستی و نیز مراکز خصوصی تنها قادرند به ۲ یا ۳ درصد متقاضیان سرویس بدهند. تازه ۸۵ عدد از این مراکز فقط ویژه درمان سرپایی هستند، لذا نمی‌توانند خدمات همه جانبه‌ای را

در اختیار متقاضیان ترک اعتیاد قرار دهند. به عقیده وی، همین مساله سبب می‌شود که ۵۵ درصد کسانی که ظاهراً در مراکز موجود، اعتیاد را ترک نموده‌اند، مجدداً به مواد مخدر گرایش پیدا کنند. اما برخلاف تصور دکتر بینازاده، علت گرایش مجدد اکثریت مراجعین به مراکز ترک اعتیاد به مواد مخدر، قبل از اینکه ناشی از ناگوارآمدی این موسسات و روش‌های سترون آنها باشد، ناشی از بقای مولفه‌های سیاسی‌تر است. در جامعه‌ای که اکثریت سکنه آن در زیر خط فقر و یک چهارم آن در زیر خط مطلق فقر به سر می‌برند، در کشوری که بحران بیکاری پیداد می‌کند و از ۲۰ درصد و در برخی استان‌ها از ۴۰ درصد تجاوز می‌کند، در جامعه‌ای که درس خواندن و حتی تحصیلات عالی هم امکان چندانی را برای برخورداری از رفاه و یک زندگی انسانی فراهم نمی‌کند و صدها هزار فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها بیکارند و یا به مشاغل کاذب روی آورده‌اند، در کشوری که صدها هزار تن از کارگران صنعتی آن چندماه چندماه حقوقی دریافت نمی‌کنند و نیمی از جمعیت یعنی زنان سهم اشتغال‌شان از ۱۰ تا ۱۲ درصد تجاوز نمی‌کند و دو سوم جمعیت جوان کشور آینده‌ای به شدت تیره و تار را در برابر خود می‌بینند و از سویی دیگر خیل آیت‌الله و آقازاده‌ها و سرمایه‌داران بزرگ گاه در عرض یک هفته میلیاردها به جیب می‌زنند و در بانک‌های داخلی و خارجی انباشته می‌کنند و کلاً نابرابری‌های طبقاتی پیداد می‌کند، تصور اینکه ریشه تن‌فروشی، سرقت، تکدی، جنایت، قاچاق، اعتیاد و خشونت (یعنی مهم‌ترین شاخص‌های ناهنجاری‌های اجتماعی) بخشکد، خیال باطلی بیش نیست. مادام که دو آسیب بزرگ یعنی رژیم جمهوری اسلامی و نظام اقتصادی مبتنی بر بهره‌کشی طبقاتی برچیده نشوند، آسیب‌های اجتماعی گوناگون نیز از صحنه جامعه رخت نخواهند بست.